

وادی کتاب

مسائل و مشکلات نویسندگی در حوزه دفاع مقدس در

گفت‌وگوی «جوان» با یک نویسنده

وظیفه اصلی ما ثبت خاطرات دست اول و مستند است

به نظر شما چه مشکلاتی نویسندگی در حوزه دفاع مقدس را تهدید می‌کند؟

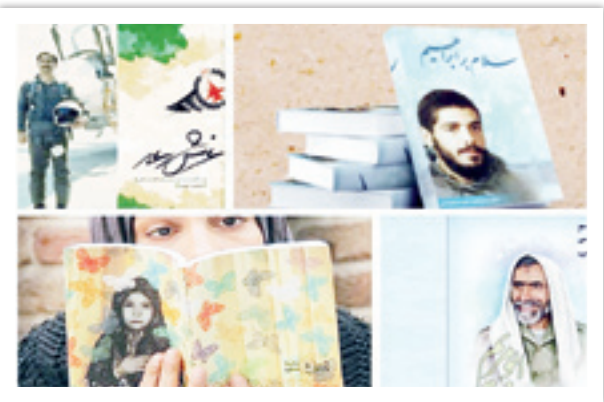
شکر خدا بعد از سخنان رهبر انقلاب مبنی بر لزوم ثبت خاطرات جنگ، بخش زیادی از مشکلات اعم از همراه نبودن راوی‌ها، حل شد اما این روزها افزایش هزینه‌های زندگی به نحوی است که دیگر به راحتی و خودجوش نمی‌شود کار تحقیقات و گفت‌وگو با یک راوی یا خانواده شهید را به سرانجام رساند. حضرت آقا کافر صدرابری در این حوزه را خواسته‌اند و طبیعتاً دستگس‌های فرهنگی در این زمینه باید دست گشاده‌تری داشته باشند و محققان و نویسندگان را در این مسیر یاری کنند.

خاطر‌نگاری بخش عمده کتاب‌های منتشر شده در حوزه دفاع مقدس را به خود اختصاص داده‌است. پرداختن پیش از حد به یک سبک می‌تواند سایر سبک‌های نوشتاری در حوزه

میشم رشیدی مهرآبادی از خبرنگاران و نویسندگان حوزه باسابقه دفاع مقدس است. از وی که علاوه بر روزنامه‌نگاری، به قلمفرسایی در حوزه کتاب و ادبیات پاینداری پرداخته و چندین کتاب نیز در این خصوص به رشته تحریر در آورده است دعوت به گفت‌وگو کردیم تا مشکلات پیش روی نویسندگی در حوزه دفاع مقدس را مروری دوباره کنیم.

چه کتاب‌هایی در خصوص دفاع مقدس نوشتید؟

بیشتر کتاب‌هایی که نوشته‌ام در حوزه شهدا و دفاع مقدس بوده است. مثلاً اولین کتابی که



جنگ را تحت الشعاع قرار دهد؟

برای داستان نویسی هنوز فرصت کافی وجود دارد. اما ما الان در وضعیتی هستیم که جایزبان و رزمندگان دوران جنگ به تدریج شهید می‌شوند و از بینمان می‌روند. به نظرم در حال حاضر وظیفه اصلی ما ثبت خاطرات دست اول و مستند است. اگر چه الان هم بسیاری از نویسندگان، سختی نوشتن داستان را برای خودشان هموار می‌کنند و در قالب ناداستان، سعی می‌کنند روایتشان را با قلمی داستانی ارائه کنند اما بر هر حال، اولویت اول ما ثبت خاطرات است و بعد از آن باید نشست و سر فرصت، مشغول داستان نویسی شد.

خود شما در کتاب‌های تان روی چه وجهی از دفاع مقدس تمرکز می‌کنید؟

تمرکز من بر انتقال واقعیت بی کم و کسر به همراه لحن واقعی و بی‌واسطه راوی است. من کتاب‌هایم را بارها ویرایش می‌کنم و قبل از چاپ به دوستان نویسنده‌ام می‌دهم تا بخوانند. سعی‌ام این است که متن را بدون دست‌انداز به مخاطب برسانم تا خواننده در مسیر خوانندش با مشکلی مواجه نشود. از سویی نگه داشتن لحن راوی در متن، کار مشکلی است که سعی دارم این سختی را برای خودم هموار کنم. بی‌شک من در این مسیر در حال آموختن هستم و کتاب به کتاب سعی می‌کنم متن‌هایم را روان تر و خواندنی‌تر بنویسم. البته در این مسیر به عنایت حضرت حق و توجه ویژه شهدا هم چشم امید دارم.

نوشتم در اوایل دهه ۸۰ درباره زندگی شهید حاج‌سیداسدالله لاجوردی بود. برای اولین بار توانستم رضایت همسر مکرم ایشان را برای گفت‌وگو جلب کنم و صحبت‌های مفید و عجیب‌ایشان را در کتاب آوردم. آن روزها مدت زیادی از شهادت حاج‌اسدالله نمی‌گذشت و خانواده شهید هنوز نگران مسائل امنیتی بودند. بعد از آن هم تعدادی از گفت‌وگوهای مطبوعاتی‌ام با خانواده شهدا و جانبازان را در قالب کتابی با نام «سببی که آقا به ما داد» منتشر کردم. کتاب‌های «خیابان تبریز» و «معلم شهر»- که درباره شخصیت و زندگی شهید قدرت‌الله چگینی بود- هم از جمله کتاب‌هایی است که نوشته‌ام. بعدها به سراغ دو جانباز رفتم تا خاطراتشان را بنویسم؛ ابتدا خاطرات جانباز فیروز احمدی که شد کتاب «حاجی فیروز» و سپس خاطرات جانباز عبدالعلی یزدانپار که شد کتاب «صدروس». اولین را نشر نارگل چاپ کرد و دومی را نشر شهید کاظمی. کتاب دیگری هم درباره سردار هور، شهید علی‌اشمی نوشته‌ام که در حال تکمیل است. به تازگی به منابع یگری از خاطرات شهید از کلام خودش دست پیدا کرده‌ام که ان‌شاءالله بعد از تکمیل، توسط انتشارات یازره منتشر می‌شود. در حال حاضر هم مشغول تحقیق و گفت‌وگو درباره زندگی یکی از رزمندگان و هنرمندان فعال در جنگ هستم. البته تحقیقات و گفت‌وگوهای همسر یک جانباز اعصاب و روان هم به دستم رسیده که باید نگارشش را آغاز کنم.

یادکردی از واقعه بمباران شیمیایی سردشت در گفت‌وگوی «جوان» با چند نفر از شاهدان عینی

سردشت دیگر شهر سابق نشد!



علیرضا محمدی

سردشت در هفتم تیر ۱۳۶۷ توسط جنگنده‌های بعثی مورد حمله شیمیایی قرار گرفت. عراق پیش از سردشت نیز بارها و بارها از بمب‌های شیمیایی علیه مردم کشورمان استفاده کرده بود اما این مورد با دفعات قبلی فرق می‌کرد. سردشت یک شهر مسکونی با مردمی غیرنظامی بود که علناً توسط دشمن هدف بمب‌های شیمیایی قرار می‌گرفت. در این واقعه ۱۱۰ نفر از اهالی شهر در زمان وقوع حادثه به شهادت رسیدند و حدود پنج‌الی هشت هزار نفر نیز مجروح شدند که مشکلات بسیاری از آنها تاکنون ادامه دارد. متن زیر گزارش کوتاهی از این واقعه در گفت‌وگو با چند تن از اهالی و شاهدان واقعه است.

آفتاب داغ تیرماهی

آفتاب داغ تیرماهی رفته رفته رنگ می‌بازد و غریبه‌های ساعت به حدود ساعت ۴ بعد از ظهر می‌رسد. در همین لحظه شش هواپیمای جنگنده در آسمان شهر ظاهر می‌شوند. سردشت یک شهر مرزی است و با وجود جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، بارها شاهد حملات هوایی جنگنده‌های دشمن بوده است اما این بار با دفعات قبلی فرق دارد. بمب‌های عراقی رنگ و بوی دیگری دارند!

عبار قارچ مانند

حسن بیوران یکی از اهالی شهر است که زمان واقعه در کلاس دوم دبیرستان تحصیل می‌کرد. در این خصوص می‌گوید: «آن روز وقتی صدای غرش جنگنده‌های دشمن آمد، مردم ترسیدند و هر کس به سمتی فرار می‌کرد. معمولاً دشمن توجهی به نظامی یا غیرنظامی بودن اماکن نداشت. جنگنده‌ها آن روز چهار نقطه را مورد اصابت قرار دادند اما صدا و آثار انفجار این بمب‌ها با دفعات قبلی فرق داشت. کسی واقعه نمی‌دانست این غباری که مثل قارچ به

هوا برخاست و خودنمایی کرد، چیست و تا چه میزان می‌تواند خطرناک و ترسناک باشد.» مردم شهر که در ابتدا از صدای اندک بمب‌ها متعجب شده بودند. کم‌کم به محل اصابت آنها برمی‌گردند. هیچ‌کس از ماهیت این بمب‌ها خبر ندارد. همین که صدای کمی داشتند و تخریب ظاهری کمتری بر جای گذاشتند، برای خیلی‌ها رضایت‌بخش بودا یکی دیگر از اهالی شهر می‌گوید: «مرد کمی بعد از بمباران برگشتند و با تعجب محل وقوع حادثه را نگاه می‌کردند. کسی خبر نداشت که باید از این‌س بمب‌ها و اثراتش فاصله گرفت نه اینکه برعکس به آن نزدیک‌تر شد. بعد که سرفه‌ها و سرگیجه‌ها شروع شد، هر کس سعی می‌کرد خودش را از

محل حادثه دور کند. خیلی‌ها خبر نداشتند که بمب‌های شیمیایی مثل میکروب عمل می‌کند و می‌تواند از بدن‌ها یا لباس‌ها و وسایل شخصی به دیگران منتقل شود. خیلی از اهالی هراسان به ورزشگاه تختی شهر پناه بردند و آنجا در ازادی جمعیت اثرات بمب‌های شیمیایی بیشتر بین مردم پخش شد. شاید اگر کسی می‌دانست بمب شیمیایی چیست، این همه تلفات بالا نمی‌رفت. روز حادثه فقط یک نفر به شهادت رسید آن هم کسی بود که بمب روی سقف خانه‌اش افتاد و ترکش‌های آن بنده خدا را به شهادت رساند ولی کم‌کم اثرات شیمیایی خودش را نشان داد و بالای یک‌صد نفر شهید شدند و چند هزار نفر دقایقی با برادرش هم‌کلام می‌شویم. وی از

سردشت آن شهر سابق نشد

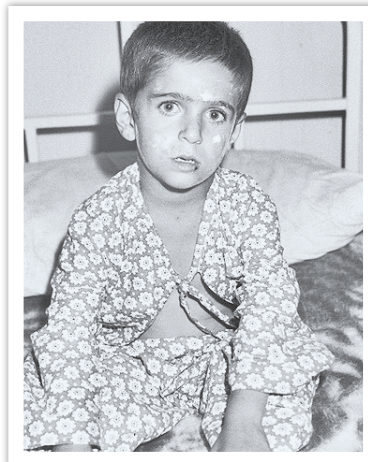
پروین کریمی واحد یکی از جانبازان واقعه شیمیایی سردشت است که هر سال برای گرامیداشت سالگرد این واقعه و همچنین شرکت در مراسم شهدای آن به سردشت می‌رود. پیشتر با او گفت‌وگویی داشتیم، اما این بار که با خانم کریمی واحد تماس گرفتیم، حال و روز مساعداً نداشت. این خاصیت مصدمیت شیمیایی و میکروبی است که به مرور زمان بیش از پیش خودش را نشان می‌دهد و از این رو جانباز کریمی‌واحد هم در سی و سومین سالگرد حادثه، دیگر توان و قدرت سابق را برای گفت‌وگو با ما نداشت.

دقایقی با برادرش هم‌کلام می‌شویم. وی از

نگاه

فاجعه بمباران شیمیایی مریوان

یک‌صد شهید و یک‌هزار جانباز



و مادرها با مرگ عزیزانشان روبه‌رو می‌شدند. در ماجرای بمباران شیمیایی مناطق مرزی مریوان، غیر از دو روستای قلعه‌چی و نژمار، روستاهای کانی‌دینار، نی، بالک، هجرت، درگاه‌شیخان، بهرام‌آباد، بلیر، مرگ، شارانی، تازه‌آباد، کال‌بالا و درزیان هم از اثرات این بمباران وحشیانه در امان نمانده‌اند و مردم این روستاها نیز تلفات زیادی دادند. روی هم رفته، ۱۲۰ شهید و بیش از یک‌هزار جانباز ماحصل بمباران شیمیایی بعثی‌ها در مناطق مرزی شهر مریوان است.

در اسفند ۱۳۶۶ یعنی چند ماه بعد از بمباران شهر سردشت توسط بعثی‌ها و سکوت جوامع بین‌المللی، شهر مریوان و روستاهای اطرافش هم‌زمان با بمباران شهر حلبچه عراق توسط جنگنده‌های رژیم بعث صدام مورد حمله شیمیایی قرار گرفت اما به دلیل شدت حملات دشمن به حلبچه و میزان تلفاتی که در آن شهر بر جای گذاشت، از فاجعه مریوان کمتر یاد می‌شود. در سالگرد بمباران شیمیایی سردشت و همین طور سالروز مبارزه با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی، نگاهی به واقعه بمباران شیمیایی مریوان می‌اندازیم.

ماجرا از ظهر روز ۲۵ اسفند ۱۳۶۶ شروع شد. در این روز ناگهان صدای غرش هواپیماهای عراقی از بالای سر اهالی به گوش رسید. یک هواپیمای بزرگ توپولوف روسی در آسمان گج شد و چیزهایی را روی هوا را کرد که انگار اعلامیه بودند. اشیای رها شده توسط توپولوف در هوا برق می‌زد و فرود می‌آمد. انفجار مهیب آن قطعات براق به اهالی هشدار می‌داد که منطقه مورد بمباران خوشه‌ای قرار گرفته و احتمالاً در چند کیلومتر مربع هر جنبه‌دهی را از بین برده است اما تصورات اولیه اشتباه بود. این‌ها از بمب‌های خوشه‌ای هم خطرناک‌تر بودند. اشیای پرتاب شده، بمب شیمیایی بودند!

بمباران روستاهای مرزی مریوان از ۲۵ اسفند ۶۶ شروع شد و تا فروردین ۱۳۶۷ ادامه یافت. هر بار روستا و منطقه‌ای مورد حمله قرار می‌گرفت، مردم بیشتری آسیب می‌دیدند. خیلی از کودکان والدین خود را از دست می‌دادند و خیلی از پدرها

جدول

۶	۳	۱			
	۴	۷		۲	
	۹	۶	۳	۵	
	۶		۵		
	۴	۷			
۹				۶	۷
			۸		۹
	۵	۲			

جدول سودوکو

ارقام ۹ تا ۹ تا طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار

به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

با پاسخ جدول شماره ۵۹۶۰

۵	۷	۸	۶	۱	۵	۵	۷	۸	۶	۱	۵
۷	۶	۸	۵	۱	۵	۷	۶	۸	۵	۱	۵
۵	۷	۸	۶	۱	۵	۷	۶	۸	۵	۱	۵
۶	۸	۵	۱	۵	۷	۶	۸	۵	۱	۵	۷
۸	۵	۱	۵	۷	۶	۸	۵	۱	۵	۷	۶
۱	۵	۷	۶	۸	۵	۱	۵	۷	۶	۸	۵
۷	۶	۸	۵	۱	۵	۷	۶	۸	۵	۱	۵
۵	۷	۸	۶	۱	۵	۷	۸	۶	۱	۵	۷
۶	۸	۵	۱	۵	۷	۶	۸	۵	۱	۵	۷
۸	۵	۱	۵	۷	۶	۸	۵	۱	۵	۷	۶
۱	۵	۷	۶	۸	۵	۱	۵	۷	۶	۸	۵
۷	۶	۸	۵	۱	۵	۷	۶	۸	۵	۱	۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۲	۶	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۳	۷	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵
۴	۸	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۶
۵	۹	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۶	۷
۶	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۶	۷	۸
۷	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۶	۷
۸	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۶
۹	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵
۱۰	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۲	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
۱۳	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴
۱۴	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵
۱۵	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶

از راست به چپ

۱- واحد اندازه‌گیری آب رودخانه-شاخه‌ای از طب که از شناسایی آسیب‌های ناشی از جنایات بحث می‌کند
۲- واحد پول لبنان - حرکتی در ژیمناستیک- از اقامر مشتری
۳- تمایل و کشش- طرد کردن - یاری
۴- ناشتا- خاک کوزه‌گری- مردم قرآنی- از سبایت‌های هسته‌ای کشورمان
۵- آب تازی- ترکیب قلع و سرب- ساز شاک- آسایش
۶- دانا و هوشمند- معاون هیتلر- مجلس‌اعیان
۷- محصول استراتژیک کشورمان- کیمیای دیار غرب- طایفه کریمخان- اراده
۸- بندری در بلغارستان- سوره
۹- متقار کوتاه- رمق آخر- سعی- محاسن
۱۰- دام- جاشنی ساندویچ- اهرم مسلح‌کننده اسلحه
۱۱- خطای رایانه‌ای- مخفف هستم- پشانی- همین ستون
۱۲- راهنما- سقف دهان- نماد لاغری- گردن
۱۳- گیاهی خورشیدی- انجیر عرب- سختی
۱۴- برنج سربی چاپ- گلخانه آبارنمان
۱۵- حرف توفیر- غذای در گردن- نام قدیم آلمان
۱۶- بالاترین و بزرگ‌ترین جزء عبادت- نوعی برادر و خواهر

از بالا به پایین

۱- امیدواری- طبق این اصل قانون اساسی هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون
۲- راست‌احسینی- پایتخت ونزوئلا
۳- زین و برگ اسب- بندری در عراق- از ماشین‌های راه‌سازی
۴- کلمه نهیب- مرتعش- همسایه تهران- خیس
۵- پاره و تکه- واحد شمارش احشام- داماد رستم
۶- همسر مرد- ساروج کنونی- قند نیشکر
۷- سلطان جنگل- کتاب قائم مقام فران-ی- مخترع آینه
۸- ضرورت ورزش تیراندازی- رود آرام- درد و رنج- نام حضرت عیسی
۹- کشور فلاسفه- نجابت- گشنیز
۱۰- جنگ اعراب مسلمان با ایرانیان- گیاه تهیه‌چوبک- تصدیق روسی
۱۱- بندگان میان ساعد و بازو- مقابل خلف- زکام
۱۲- جدید- اجاق گاز- از ابزار نقاشی- وارونه پا
۱۳- گیاهی خورشیدی- انجیر عرب- سختی
۱۴- برنج شکسته- بونی که بر مفر می‌دارد
۱۵- بندر شهری زاین- از الحان باربدی